

# کتاب دانیال - شماره صد و نود و هشت

گردهمایی‌های الهی و همسویی‌های نبوی: نقش ۱۴۴,۰۰۰ در چارچوب آخرازمانی  
دانیال ۱۱:۴۰

Jeff Pippenger

2024-05-01

ما خط دستگاہ پاپی، خط جمهوری خواهی مرتد، خط پروتستانتیسیم مرتد و خط یکصد و چهل و چهار هزار را در تاریخ پنهان آیه چهل باب یازدهم دانیال قرار می‌دهیم. ما اکنون در حال پرداختن به این موضوع هستیم که مسیح قوم خود را دو بار گرد می‌آورد، و همه نمونه‌های گردآوری دوباره قوم او نمایانگر فرایند نهایی مهر شدن یکصد و چهل و چهار هزار هستند.

وقتی نماد الهی در یک خط اصلاح نازل می‌شود، آنگاه خداوند قومی برگزیده را گرد می‌آورد که پس از آن آزموده می‌شوند. در پایان فرایند آزمون، پراکندگی‌ای رخ می‌دهد که پس از آن او همان قوم برگزیده را برای بار دوم گرد می‌آورد، هرچند بسیاری به سبب مردود شدن در فرایند آزمون عقب می‌مانند. مسیح گرد آوردن شاگردان خود را از هنگام تعمیدش آغاز کرد و در ماجرای صلیب، شاگردان پراکنده شدند. پس از رستاخیزش، او پیش از پنطیکاست برای بار دوم شاگردان خود را گرد آورد. این خط نشان می‌دهد که گردآوری دوم برای صد و چهل و چهار هزار نفر درست پیش از قانون یکشنبه انجام می‌شود؛ قانونی که پنطیکاست نمونه آن است. صلیب دلالت بر یک ناامیدی دارد و پس از آن گردآوری دوم صورت می‌گیرد.

دومین گردهمایی پس از صلیب زمانی آغاز شد که مسیح پس از رستاخیزش و دیدار با پدرش، نزول کرد. هنگامی که نماد الهی فرود می‌آید، قوم خدا باید پیام را بخورند، و پس از آن که مسیح نزول کرد، او با شاگردان غذا خورد.

و چنین شد که چون با ایشان بر سر سفره نشست، نان را گرفت و آن را برکت داد و آن را شکست و به ایشان داد. آنگاه چشمانشان باز شد و او را شناختند؛ و از نظرشان ناپدید شد. لوقا ۲۴:۳۰، ۳۱.

در دومین اجتماع پس از صلیب، مسیح روح‌القدس را بر شاگردانش «دمید».

عمل مسیح در دمیدن روح‌القدس بر شاگردانش و بخشیدن آرامش خود به آنان، همچون چند قطره پیش از بارش فراوانی بود که قرار بود در روز پنجاه عطا شود. روح نبوت، جلد 3، 243.

در دومین گردهمایی پس از سرخوردگی ۱۹ آوریل ۱۸۴۴، مسیح دست خود را از اشتباه ۱۸۴۳ کنار کشید.

آن مؤمنان ناامیدی که نمی‌توانستند دریابند چرا پروردگارشان نیامده است، در تاریکی به حال خود رها نشدند. بار دیگر هدایت شدند تا به کتاب مقدس‌شان رجوع کنند و دوره‌های نبوی را جست‌وجو کنند. دست خداوند از روی ارقام برداشته شد و خط آشکار گردید. دیدند که دوره‌های نبوی تا سال 1844 امتداد می‌یابند، و اینکه همان شواهدی که برای نشان دادن پایان یافتن دوره‌های نبوی در 1843 ارائه کرده بودند، نشان می‌داد که این دوره‌ها در 1844 پایان خواهند یافت. نوشته‌های اولیه، 237.

در آن ناامیدی، فرشته دوم با «نوشته‌ای در دستش» نازل شد.

«فرشته نیرومند دیگری مأمور شد که به زمین فرود آید. عیسی نوشته‌ای را در دست او گذاشت و چون به زمین آمد، فریاد زد: «بابل سقوط کرده است، سقوط کرده است.» نوشته‌های اولیه،

فرایند آزمونی که با آمدن فرشته دوم آغاز شد، در گردهمایی اردوگاهی اکستر به پایان رسید؛ زمانی که روح‌القدس ریخته شد و پیام همچون موجی سهمگین گسترش یافت. آن فرایند آزمون پس از صلیب به روشنی شناخته شد، زیرا دوره‌ای که تا افاضه روح‌القدس در پنطیکاست ادامه داشت، پیشاپیش با پنجاه روز مشخص شده بود؛ پنجاه روزی که خود از دوره‌ای چهل‌روزه و سپس دوره‌ای ده‌روزه تشکیل می‌شد که در پنطیکاست پایان یافت.

قوم خدا باید پیوسته در دعا دست نیاز به سوی او برآورند. این پس از آن بود که شاگردان نخستین ده روز را در تضرع گذرانده بودند، پس از آن که همه اختلافات کنار گذاشته شده بود، و آنان در دل‌کاوی ژرف و در اعتراف و ترک گناهان و در گرد آمدن به مشارکتی مقدس، یکدل شده بودند، که روح‌القدس بر آنان آمد و وعده مسیح تحقق یافت. افاضه‌ای شگفت‌انگیز از روح‌القدس رخ داد. ناگهان از آسمان آوایی آمد، چون صدای وزش بادی تند و نیرومند، و تمام آن خانه‌ای را که در آن نشسته بودند پر کرد. "و در همان روز حدود سه هزار نفر به آنان افزوده شدند." Review and Herald، ۱۱ مارس ۱۹۰۹.

در طی چهل روز، مسیح حاضر بود و شاگردان را تعلیم می‌داد؛ سپس عروج کرد. ده روز پس از آن، دوره‌ای برای آمادگی پیش از افاضه پنطیکاستی روح‌القدس بود. چهل روز تعلیم پس از صلیب با ۱۹ آوریل ۱۸۴۴ تا آغاز اجتماع اردوگاهی اکستر در ۱۲ اوت ۱۸۴۴ منطبق است. ده روزی که پیش از پنطیکاست بود، نمایانگر ۱۲ تا ۱۷ اوت ۱۸۴۴ است؛ زمانی که پیروان میلر بر پیام «فریاد نیمه‌شب» که ساموئل اسنو آورد، متحد شدند. در آن اجتماع اردوگاهی دو گروه آشکار شدند و تنها یک گروه در پایان اجتماع افاضه پنطیکاستی را دریافت کرد. در آن دوره که با چهل روز نمایانده شده بود، یک گروه تعلیم را دریافت کرد و گروه دیگر آن را نپذیرفت. وقتی فریاد نیمه‌شب رسید، یک گروه روغن داشت و گروه دیگر نداشت.

«چون داماد دیر می‌کرد، همه چرت زدند و به خواب رفتند.» درنگ داماد نشان می‌دهد که زمان انتظار آمدن خداوند سپری شد، سرخوردگی پدید آمد، و تأخیری ظاهری به نظر رسید. در این دوران بی‌اطمینانی، علاقه سطحی‌نگران و نیمه‌دل‌ها به زودی سست شد و کوشش‌هایشان نیز فروکش کرد؛ اما آنان که ایمانشان بر شناخت شخصی کتاب مقدس استوار بود، زیر پای خود صخره‌ای داشتند که امواج سرخوردگی نمی‌توانست آن را بشوید و ببرد. «همه چرت زدند و خوابیدند»؛ یک گروه با بی‌اعتنایی و ترک ایمان خویش، و گروه دیگر با شکبایی منتظر ماند تا نوری روشن‌تر عطا شود. با این همه، در شب آزمایش، چنین می‌نمود که گروه اخیر تا اندازه‌ای غیرت و اخلاص خود را از دست داده‌اند. نیمه‌دل‌ها و سطحی‌نگران دیگر نمی‌توانستند بر ایمان برادران خود تکیه کنند. هر کس باید خودش بایستد یا فرو افتد. مناقشه عظیم، ۳۹۵.

در ده روز منتهی به پنطیکاست، و نیز در دوره گردهمایی اردوگاهی اکستر، مسیح برای بار دوم، پیش از آنکه آنان پیام او را به جهان برسانند، قوم خود را گرد آورد. وقتی فرشته سوم در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ نازل شد، گله کوچک بار دیگر ناامید و پراکنده شد، اما در همان ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ دوره‌ای از تعلیم آغاز شد، هنگامی که مسیح قوم خود را به قدس‌الاقداص هدایت کرد. در سال ۱۸۴۹، خداوند بار دیگر دست خود را دراز کرد تا دوباره همانانی را گرد آورد که آنان را از ناکامی‌های ۱۹ آوریل و ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ بیرون آورده بود.

در سال ۱۸۴۴، رهنمود مربوط به پیامی بود که فرشته سوم هنگام فرود آمدن در دست داشت، اما در «دوره تردید و عدم قطعیت»ی که پس از یأس بزرگ در پی آمد، بسیاری راه خود را گم کردند. تا سال ۱۸۴۹، کار گردآوری گله کوچک پراکنده آغاز شد، اما آنچه آن تاریخ نشان می‌داد، شکست ۱۸۶۳ و

نخستین قادش برای اسرائیل نوین بود. پیروزی آینده یکصد و چهل و چهار هزار نفر و کارشان در قادش دوم به تأخیر افتاد.

وقتی خداوند در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ نازل شد، قوم آخرازمانی خود را گرد آورد، خوراک روحانی خود را برای خوردن به آنان داد، هنگامی که شروع به ریزش باران پسین کرد روح خود را بر آنان دمید، و همچنین فرایند آزمون را آغاز کرد که به ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ انجامید؛ زمانی که قوم آخرازمانی او ناامید و پراکنده شدند. به مدت سه روز و نیم در خیابان مرده بودند. هم سه روز و نیم و هم دوره چهل‌روزه در زمان مسیح، نماد بیابان‌اند. این همچنین با دوره ۱۹ آوریل ۱۸۴۴ تا ۱۲ اوت ۱۸۴۴، و نیز با دوره ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ تا ۱۸۴۹ نمایانده می‌شود.

از ژوئیه ۲۰۲۳ تا قانون یکشنبه، که همان ده روز پیش از پنتیکاست است، بازه ۱۲ اوت تا ۱۷ اوت اجتماع اردوگاهی در اکستر، و بازه زمانی ۱۸۴۹ تا ۱۸۶۳، همگی با یکدیگر هم‌راستا هستند. آنها نمایانگر دوره دوم گردآوری قوم آخرازمانی خدا هستند. دوره از سرخوردگی تا افاضه روح‌القدس به دو دوره متمایز تقسیم می‌شود.

در تاریخ پنهان آیه چهل باب یازدهم دانیال، خط پروتستانتیسم مرتد (کلیسای اسمی)، خط ادونتیسم روز هفتم لاودیکایی (ادونتیسم اسمی)، خط کاتولیسیسم و خط پروتستانتیسم حقیقی همگی نمایان‌اند. این چهار خط نشان می‌دهند که پروتستانتیسم حقیقی در تقابل با اتحادی سه‌گانه از اژدها (یهودا)، وحش (کاتولیسیسم) و نبی کاذب (پروتستانتیسم مرتد) قرار دارد.

در همان تاریخ پنهان، خط جمهوری‌خواهی مرتد نیز به تصویر کشیده شده است. در آن خط، کشمکش میان حزب دموکرات (اژدها) و حزب جمهوری‌خواه (تصویر وحش) نمود یافته است. حزب جمهوری‌خواه قرار است در شکل‌دهی تصویر وحش پیشگام باشد، و با این کار ویژگی‌های نبوی وحش (پاپیت) را آشکار می‌سازد. در کلام خدا، پاپیت که هم پادشاه شمال و هم همان وحش است، مصر (اژدها) را به عنوان پاداش خدماتی که در مقام ابزار داوری خدا انجام داده است، دریافت می‌کند.

ای پسر انسان، نبوکدنصر پادشاه بابل لشکر خود را واداشت تا خدمتی بزرگ بر ضد صور انجام دهند؛ هر سری بی‌مو شد و هر شانه‌ای پوست‌کنده گشت، با این همه او و لشکرش برای خدمتی که بر ضد آن کردند، از جانب صور مزدی نیافتند. از این رو، خداوند یهوه چنین می‌فرماید: اینک سرزمین مصر را به نبوکدنصر پادشاه بابل می‌دهم؛ او جمعیتش را خواهد برد، غنیمتش را خواهد گرفت و شکارش را خواهد گرفت؛ و این مزد سپاهش خواهد بود. زمین مصر را در برابر رنجی که برای آن برد و بر ضد آن خدمت کرد، به او داده‌ام، زیرا که ایشان برای من کار کردند، می‌فرماید خداوند یهوه. در آن روز شاخ‌خاندان اسرائیل را خواهم رویانید، و در میان آنان دهانت را خواهم گشود؛ و خواهند دانست که من یهوه هستم. حزقیال ۱۸:۲۹-۳۱.

نبوکدنصر، که در آن بخش از متن پادشاه شمال است، سرزمین مصر به‌عنوان مزدش به او داده می‌شود؛ و بدین‌سان نماد آن است که در روزهای آخر، مصر به نهاد پاپی داده می‌شود، که همان اژدهاست، یعنی همان ده پادشاه، یعنی سازمان ملل متحد، که موافقت می‌کنند هفتمین پادشاهی خود را برای مدتی کوتاه به وحش بسپارند.

و آن ده شاخی که بر آن وحش دیدی، همین‌ها از آن روسپی نفرت خواهند داشت و او را ویران و عریان خواهند کرد، و گوشتش را خواهند خورد و او را با آتش خواهند سوزاند. زیرا خدا در دل‌هایشان نهاده است که اراده او را به انجام رسانند و هم‌داستان شوند و پادشاهی خود را به آن وحش بسپارند، تا سخنان خدا تحقق یابد. مکاشفه ۱۶:۱۷، ۱۷.

این پرداخت نبوتی همچنین در دانیال فصل یازدهم آیه چهل‌ودو بیان شده است.

او دست خود را نیز بر کشورها دراز خواهد کرد؛ و سرزمین مصر در امان نخواهد ماند. دانیال ۱۱:۴۲.

پاپیت در زمان باران واپسین بر قدرت اژدها چیره می‌شود، زیرا این پرداخت «در» آن «روز» تحقق می‌یابد که خدا «شاخ خانه اسرائیل را می‌شکوفاند». این باران است که اسرائیل خدا را به جوانه زدن وامی‌دارد، و آن روز در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ آغاز شد که روز باد شرقی بود.

او بازماندگان یعقوب را ریشه‌دار خواهد ساخت؛ اسرائیل شکوفه خواهد داد و جوانه خواهد زد و روی جهان را از میوه پر خواهد کرد. آیا او را چنان‌که زندگانش را زد، زده است؟ یا آیا او به همان گونه‌ای کشته شده است که کسانی که او کشت، کشته شدند؟ با اندازه‌ای سنجیده، هرگاه سر برآورد، با آن به داوری می‌پردازد؛ او باد خشن خود را در روز باد شرقی باز می‌دارد. به واسطه این، گناه یعقوب پاک خواهد شد؛ و تمام ثمره این، برداشته شدن گناه اوست؛ آنگاه که او همه سنگ‌های مذبح را چون سنگ‌های آهکی خردشده می‌سازد، درختستان‌ها و بت‌ها دیگر برپا نخواهند ماند. اشعیا ۶:۲۷-۹.

مصر هنگامی به وحش پاپی داده می‌شود که باران آخر در حال فرو ریختن است. باران آخر زمانی شروع به چکیدن کرد که باد شرقی، که نمایانگر اسلام وای سوم است، در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ «متوقف» یا مهار شد. سپس باران به صورت پیمان‌های (نم‌نم) بر اسرائیل آغاز به باریدن کرد، آنگاه که آنان شروع به جوانه زدن کردند. در قانون یکشنبه، زمانی که وای سوم دوباره می‌آید، باران آخر بی‌پیمان‌ه فرو ریخته می‌شود. میان ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و قانون یکشنبه‌ای که به زودی می‌آید، «گناه یعقوب» تطهیر می‌شود، و واژه عبری «تطهیر» به معنای «کفاره دادن» است. در هنگام قانون یکشنبه، مصر (اژدها) به وحش پاپی داده می‌شود، چون آن ده پادشاه با ساختن تصویری جهانی از وحش، با پاپیت زنا می‌کنند.

پیش از قانون یکشنبه، در دوران مهرگذاری آن صد و چهل و چهار هزار نفر، شاخ جمهوری‌خواه مرتد به همراه شاخ پروتستان مرتد تصویری برای وحش می‌سازد، و در آن خط زمانی نبوی، حزب جمهوری‌خواه بر حزب دموکرات غالب می‌شود، زیرا حزب دموکرات یک قدرت اژدهاگونه است و حزب جمهوری‌خواه همان قدرتی است که تصویر نظام پاپی را می‌سازد.

در درون تاریخ پیامبرانه وحش زمین، پایان حزب دموکرات و پایان حزب جمهوری‌خواه مشخص می‌شود. این دو حزب شاخ جمهوری‌خواهی را شکل می‌دهند، اما آن‌ها کشمکش داخلی را نشان می‌دهند که در تمام طول تاریخ وحش زمین جریان دارد. آن شاخ (جمهوری‌خواه) در خود ریز جهانی درونی از دو شاخ وحش زمین را جای داده است.

در شهادت پادشاهی مادیان و پارسیان، این آخرین شاخ بود که بلندتر سر برآورد، و در تاریخ آمریکا حزب دموکرات زودتر پدید آمد، اما در پایان حزب جمهوری‌خواه بلندتر سر برمی‌آورد و بر دموکرات‌ها چیره می‌شود. در تاریخ باران آخر که در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ آغاز شد، دموکرات‌های جهان گرا و الهام‌گرفته از اژدها از چاه بی‌پایان باب یازدهم مکاشفه برآمدند و با دزدیدن انتخابات ۲۰۲۰ جمهوری‌خواهان را کشتند. جنگشان علیه ترامپ (و جمهوری‌خواهان) از زمانی آغاز شد که او در ۲۰۱۵ نامزدی خود را اعلام کرد، و از آن پس فقط شدت گرفت.

وقتی دموکرات‌ها انتخابات ۲۰۲۰ را به سرقت بردند، محاکمات پلوسی را برپا کردند؛ اما هنگامی که ترامپ در ۲۰۲۲ سومین کارزار انتخاباتی خود را اعلام کرد، ترس بر دموکرات‌ها افتاد و خشمشان فزونی گرفت؛ سپس با خشمی عظیم علیه ترامپ و هوادارانش یورش بردند، زیرا می‌دانستند زمانشان کوتاه است. آنان مرگ او را جشن گرفتند، اما وقتی او برخاست، ترسی بزرگ بر آنان چیره شد.

و چون شهادت خود را به پایان رسانند، آن وحش که از هاویه برمی‌آید با ایشان جنگ خواهد کرد و بر ایشان پیروز شده، ایشان را خواهد کشت. و پیکرهای بی‌جانشان در خیابان آن شهر بزرگ خواهد بود، شهری که از نظر روحانی سدوم و مصر نامیده می‌شود، همان‌جا که خداوند ما نیز مصلوب شد. و کسانی از میان قوم‌ها و قبایل و زبان‌ها و ملت‌ها تا سه روز و نیم پیکرهای ایشان را خواهند دید و نخواهند گذاشت که پیکرهایشان در گورها نهاده شوند. و ساکنان زمین به سبب آنان شادی کرده، جشن خواهند گرفت و برای یکدیگر هدایا خواهند فرستاد، زیرا این دو نبی کسانی را که بر زمین ساکن بودند عذاب می‌دادند. و پس از سه روز و نیم، روح حیات از جانب خدا در ایشان داخل شد و بر پای‌های خود ایستادند؛ و هراسی عظیم بر آنان که ایشان را دیدند افتاد. مکاشفه ۱۱:۷-۱۱

دوره‌ای که پایان حزب دموکرات را مشخص می‌کند، از تحلیف بایدن در سال ۲۰۲۱ تا تحلیف ترامپ در سال ۲۰۲۵ است. این دوره با محاکمه‌های پلوسی آغاز شد که کاملاً مغایر با قانون اساسی و به‌لحاظ ماهیت کاملاً سیاسی بودند. آن تاریخ، که نمایانگر مرگ ششمین رئیس‌جمهور از زمان پایان در ۱۹۸۹ تا رسیدن به هشتمین رئیس‌جمهوری است که از میان همان هفت‌تاست، با محاکمه‌های سیاسی (محاکمه‌های پلوسی) آغاز شد و با مرگ حزب دموکرات و دومین مجموعه از محاکمه‌های پلوسی پایان می‌یابد، زیرا اهداف سیاسی برعکس می‌شوند.

تصویر تاریخ در فصل یازدهم کتاب مکاشفه آمده است که نخستین تحقق خود را در انقلاب فرانسه یافت. انقلاب فرانسه نمونه تاریخی کلاسیکی از نوع گیوتینی جنگ سیاسی است که ویژگی آن این است که یک حزب حاکم حزب دیگری را می‌کشد و سپس همان قدرت حاکم سرنگون می‌شود و خود مورد تعقیب و آزار قرار می‌گیرد.

دوره‌ای که از مراسم تحلیف بایدن و محاکمات پلوسی آغاز می‌شود و تا دومین مراسم تحلیف ترامپ و نقض محاکمات پلوسی ادامه دارد، پایان حزب دموکرات را مشخص می‌کند و نیز زمانی را نشان می‌دهد که ترامپ اجرای مجموعه‌ای از فرامین اجرایی را تکرار می‌کند که نمونه آن‌ها قوانین بیگانگان و فتنه‌انگیزی بود. اجرای آن فرامین اجرایی محاکمات دوم پلوسی را آغاز خواهد کرد و آغاز دوره‌ای را مشخص می‌کند که در آن تصویر وحش به‌طور جدی برپا می‌شود. آن دوره با اجرای قانون یکشنبه پایان می‌یابد؛ بنابراین دوره با فرامین اجرایی مشابه قوانین بیگانگان و فتنه‌انگیزی آغاز می‌شود و با قانون یکشنبه پایان می‌یابد. در همان‌جا حزب جمهوری‌خواه به پایان می‌رسد.

هر دو دوره‌ای که نمایانگر پایان حزب دموکرات و سپس حزب جمهوری‌خواه هستند، به‌صورت پیش‌گویانه به هم مرتبط‌اند و با دوره بیست‌ودوساله ۱۷۷۶ تا ۱۷۹۸ نشان داده می‌شوند. آن دوره سه نقطه عطف دارد: اعلامیه استقلال در ۱۷۷۶، سیزده سال بعد قانون اساسی، و پس از آن قوانین بیگانگان و فتنه‌انگیزی ۱۷۹۸. این سه نقطه عطف در خط سیر احزاب دموکرات و جمهوری‌خواه تحقق می‌یابند، هرچند انطباق نقطه عطف دوم و سوم در هر یک از این دو خط در نقاط متفاوتی رخ می‌دهد.

ما این نشانه‌های راه و تحقق‌شان را در مقاله بعدی توضیح خواهیم داد.

جز دو دسته نیست؛ شیطان با نیروی منحرف و فریبنده خود عمل می‌کند و با گمراهی‌های نیرومند، همه کسانی را که در حقیقت نمی‌مانند، آنان را که گوش‌های خود را از حقیقت برگردانده و به افسانه‌ها رو کرده‌اند، به دام می‌اندازد. خود شیطان در حقیقت نماد؛ او راز شرارت است. او با زیرکی خود به خطاهای جان‌هلاک‌کننده‌اش سیمای حقیقت می‌دهد. قدرت فریبشان در همین است. از همین‌رو، چون بدلی از حقیقت‌اند، روح‌گرایی، تئوسوفی و فریب‌های همانندشان چنین قدرتی بر اذهان مردم می‌یابند. استادی کار شیطان در همین‌جاست. او وانمود می‌کند که

نجات‌دهندهٔ انسان، نیکوکار نوع بشر است، و بدین‌سان قربانیان خود را آسان‌تر به هلاکت می‌کشانند.

در کلام خدا به ما هشدار داده شده است که بهای امنیت، بیداری و هوشیاری بی‌وقفه است. تنها در راه راست حقیقت و پارسایی می‌توانیم از قدرتِ وسوسه‌گر رهایی یابیم. اما جهان در دام افتاده است. شیطان مهارتِ خود را در طرح‌ریزی نقشه‌ها و روش‌های بی‌شمار برای تحقق مقاصدش به کار می‌گیرد. ریاکاری نزد او به هنری ظریف بدل شده، و او در هیأت فرشته نور عمل می‌کند. تنها چشم خدا نقشه‌های او را بازمی‌شناسد؛ نقشه‌هایی برای آلوده کردن جهان به اصول دروغین و ویرانگری که بر چهرهٔ خود سیمای نیکی اصیل را دارند. او برای محدود کردن آزادی دینی کار می‌کند و می‌کوشد گونه‌ای بردگی را به جهان دین وارد کند. سازمان‌ها و مؤسسات، اگر به قدرتِ خدا محفوظ نمانند، زیر دیکتهٔ شیطان عمل خواهند کرد تا انسان‌ها را زیر کنترل انسان‌ها درآورند؛ و فریب و نیرنگ، سیمای غیرت برای حقیقت و برای پیشبرد ملکوت خدا را به خود خواهند گرفت. هرچه در عمل ما به روشنی روز نباشد، از روش‌های سرور شرارت است. روش‌های او حتی در میان ادوتیست‌های روز هفتم نیز به کار بسته می‌شود، آنان که مدعی داشتن حقیقتی پیشرفته‌اند.

اگر انسان‌ها در برابر هشدارهایی که خداوند برایشان می‌فرستد مقاومت کنند، حتی به پیشروان در اعمال شر بدل می‌شوند؛ چنین کسانی به خود اجازه می‌دهند اختیارات الهی را اعمال کنند—جسارت می‌کنند که در پی مهار کردن ذهن‌های آدمیان کاری را انجام دهند که خود خدا نیز انجام نمی‌دهد. آنان روش‌ها و طرح‌های خود را وارد می‌کنند و از رهگذر برداشت‌های نادرستشان از خدا، ایمان دیگران را به حقیقت سست می‌سازند و اصول باطلی را به میان می‌آورند که همچون خمیرمایه عمل کرده، نهادها و کلیساهای ما را آلوده و فاسد خواهد کرد. هر آنچه تصور انسان را از پارسایی و انصاف و داوری بی‌طرفانه پایین می‌آورد، هر تدبیر یا آموزه‌ای که کارگزاران انسانی خدا را زیر سلطهٔ ذهن‌های انسانی درآورد، ایمان آنان به خدا را خدشه‌دار می‌کند؛ جان را از خدا جدا می‌سازد، زیرا از مسیر درستکاری بی‌کم‌وکاست و پارسایی دور می‌کند.

خدا هیچ وسیله یا تدبیری را که به واسطهٔ آن انسان حتی به کمترین درجه بر ممنوع خود فرمان براند یا بر او ستم کند، تأیید نخواهد کرد. تنها امید انسان سقوط کرده این است که به عیسی بنگرد و او را یگانه نجات‌دهنده بپذیرد. همین که انسان برای دیگران قانونی آهنین وضع کند، همین که آغاز کند مردم را به یوغ کشیده و بر وفق رأی خود براند، خدا را بی‌حرمت می‌سازد و جان خود و جان‌های برادرانش را به خطر می‌افکند. انسان گناهکار امید و عدالت را تنها در خدا می‌یابد؛ و هیچ انسانی بیش از هنگامی که به خدا ایمان دارد و پیوند حیاتی خود را با او حفظ می‌کند، عادل نیست. گل صحرا باید ریشه در خاک داشته باشد؛ باید هوا، شبنم، باران و آفتاب داشته باشد. تنها تا آن اندازه شکوفا می‌شود که این موهبت‌ها را دریافت کند، و همه از جانب خداست. انسان نیز چنین است. آنچه مایهٔ حیاتِ جان است از خدا دریافت می‌کنیم. به ما هشدار داده شده که بر انسان توکل نکنیم و بشر را بازوی خود نسازیم. لعنتی بر همه کسانی که چنین می‌کنند اعلام شده است. مواد ۱۸۸۸، ۱۴۳۲-۱۴۳۴.